

# نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در رفتار سیاسی مطلوب

● مجید رها\*

## چکیده

در این مقاله به معرفی‌های توصیفی و توصیه‌ای متعارف از حزب، نزد نظریه پردازان سیاسی اشاره شده است و تلاش گردیده تا وجوه مشترک این تعاریف با آنچه که در چارچوب عقیدتی و اخلاقی سیاسی اسلام قابل ردیابی است، تطبیق داده شود و در یک بررسی تطبیقی، معنا، جایگاه و کارویژه‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی در جامعه اسلامی مشخص شود.

در ادامه، بر اساس اشاره مجملی که به برخی خواص اعتقادی و اخلاقی جامعه اسلامی شده است، به بررسی نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در چنین جامعه‌ای و ذکر بایدها و نبایدها و الزامات احزاب سیاسی در این خصوص پرداخته می‌شود. در خصوص رفتارهای سیاسی مطلوب و نقش احزاب در توسعه و تثبیت آنها نیز به سه مبحث مهم اشاره می‌شود:

۱. مشارکت سیاسی؛
۲. جامعه‌پذیری سیاسی؛
۳. همبستگی و یکپارچگی ملی

در مبحث اول بر این نکته که مشارکت سیاسی<sup>۱</sup>؛ اساسی‌ترین مبنای رفتار سیاسی مطلوب در جامعه دینی است، تأکید شده است. بطوری که در صورت خدشه دار شدن این اصل، دیگر نوبت به سایر رفتارهای سیاسی مطلوب نمی‌رسد و دیگر آداب سیاسی نیز منوط به تحقق این اصل است و یکی از

\* نویسنده و محقق



مهم‌ترین ابزارهای توسعه این نوع مشارکت، احزاب و تشکلهای سیاسی هستند.

نویسنده معتقد است که الگوی رفتاری مطلوب در حوزه مبحث مشارکت سیاسی، واجد ویژگی‌های ذیل است:

۱. نگاه به عمل سیاسی و اجتماعی به مثابه یک تکلیف دینی؛
۲. انجام عمل سیاسی و اجتماعی به مثابه عبادت؛
۳. حق محوری و پرهیز از تعصب در تشخیص مصداق کنش سیاسی و اجتماعی صحیح؛
۴. تلاش در توسعه اثر بخشی سیاسی.

در این بخش همچنین به بی‌اعتنایی سیاسی<sup>۱</sup>، که از عارضه‌های مهم یک جامعه سیاسی محسوب می‌گردد، اشاره شده و یکی از کارکردهای مهم احزاب را مبارزه با پیدایش و شکل‌گیری چنین عارضه‌ای معرفی کرده است.

در بخش دیگری از مقاله به بحث جامعه‌پذیری سیاسی و کارکرد احزاب در این حوزه پرداخته است و بر این اساس جامعه‌پذیری را روندی آموزشی دانسته، که به انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی نظام سیاسی مستقری، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند. بنابراین هدف جامعه‌پذیری سیاسی تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری سیاسی احزاب با تبلیغات سیاسی، مبارزه و فعالیت انتخاباتی، ارائه نظریه‌های سیاسی به صورت شفاهی یا کتبی بوده و نقش عامل مستقیم جامعه‌پذیری سیاسی را نیز بازی می‌کنند.

### واژگان کلیدی:

حزب، رفتار سیاسی، مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، فرهنگ سیاسی، همبستگی ملی، مدیریت منازعه.



## مقدمه

حزب عبارت است از سازمانی سیاسی که از همفکران و طرفداران هم آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت؛ برای نیل به آرمانش از دیگر اشکال سازمانی نظیر جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود و اغلب برای بدست گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند.

همچنین می‌توان گفت که حزب عبارت است از گروهی از مردم که آرمان‌های مشترک و منافع خاصشان، آنها را از گروه بزرگ‌تر که جامعه ملی است، متمایز می‌سازد و با داشتن تشکیلات منظم و یاری مردم تلاش می‌کنند تا قدرت دولتی را به دست گیرند و یا اینکه در قدرت دولتی شریک گردند و برنامه و آرمانهایشان را بدین وسیله عملی سازند و در این راه بویژه از وسایل قانونی یاری می‌گیرند. معمولاً هر تعریف از حزب باید چهار رکن را در بر گیرد:

۱. حزب باید دارای سازمان‌های مرکزی و رهبری کننده و پایدار و ماندنی باشد. به بیان دیگر تشکیلات حزب نباید با فقدان رهبران و بنیان گزاران آن از هم بپاشد؛

۲. حزب باید دارای سازمان‌های محلی پایدار باشد که با سازمان‌های مرکزی حزب ارتباط دائمی داشته باشند؛

۳. رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در کشور خواه به تنهایی و خواه به کمک احزاب دیگر بدست گیرند و آن را رهبری و اداره کنند و نباید تنها به اعمال نفوذ بر روی قدرت سیاسی حاکم اکتفا کنند؛

۴. حزب باید از پشتیبانی مردم برخوردار باشد.<sup>۱</sup>

آنچه گفته شد تعریف متداول از احزاب سیاسی است. برخی از نظریه پردازان سیاسی همچون «مدیسن» از احزاب سیاسی برداشتی توطئه آمیز داشته و همیشه برای آنها نقش مخالف در جامعه قائل هستند.

از نظر مدیسن حزب گروهی از جامعه است که چه در مقام اکثریت باشند و چه در مقام اقلیت بر اساس منافع و یا اهداف مشترک خود که با منافع و اهداف سایر افراد و

۱. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، (تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۲) صص



هدف‌های دائمی و کلی جامعه در تضاد است، با یکدیگر طرح اتحاد ریخته‌اند.<sup>۱</sup>

بخشی از آنچه در معرفی حزب گفته شده، توصیفی و بخشی از آن، توصیه‌ای است. به عبارت دیگر، در بخشی از بیاناتی که نظریه پردازان سیاسی در خصوص حزب گفته‌اند، احزاب را چنانکه هستند معرفی کرده‌اند و بخشی دیگر، احزاب را آنچنان که باید باشند معرفی می‌کنند.

روش ما در معرفی حزب از نوع توصیه‌ای است؛ یعنی حزب را آنچنانکه باید باشد مورد بحث قرار می‌دهیم. باید‌هایی را که مطرح می‌کنیم، باید‌هایی عقیدتی و اخلاقی است که از آموزه‌ها و تعالیم الهی دین مبین اسلام ناشی می‌گردد.

در بیشتر تعاریفی که ارائه گردیده؛ طبق گفتمان تفکر لیبرال، قدرت طلبی بدون هیچ قید و شرط اخلاقی درونی از لوازم مهم حزب شمرده می‌شود، اما در گفتمان اندیشه اسلامی تلاش برای کسب قدرت فقط در یک چارچوب اخلاقی محدود مجاز است.

رعایت چارچوب اسلامی مذکور چنان دشوار است که دینداران خالص آن را یک امتحان دشوار الهی می‌دانند و سربلندی و پیروزی در این امتحان الهی را مشروط به تزکیه نفسی فوق العاده می‌دانند.

اگرچه شاید امروزه چنین سخنانی برای عده‌ای عجیب بنماید؛ اما این سخنان از بدیهیات و مسلمات اخلاقی و عقیدتی اسلامی است.

امروزه تعاریف کلاسیک احزاب و تشکلهای سیاسی، عمدتاً در چارچوب دموکراسی با قرائت لیبرال شکل گرفته‌اند؛ اما اسلام ولایی این قابلیت را دارد که تعاریفی به لحاظ اعتقادی، تعاریفی مبتنی بر بنیادهای الهی و به لحاظ اخلاقی، تعاریفی متعالی ارائه نماید.

کارویژه‌های جا افتاده احزاب در نظام‌های سیاسی، معمولاً کم و بیش، یکسان است و آن تفاوت جدی و مهمی که بین نظام دینی و نظام سکولار وجود دارد به شکل و صورت مربوط نمی‌شود؛ بلکه تفاوتی که در این مقام از آن سخن می‌گوییم، تفاوت در معنا و محتوا و کیفیت نگاه به این کار ویژه‌ها و نحوه اجرای آنها و اهداف مد نظر مجریان است.



لذا ما کار ویژه‌های مشترک احزاب را که بر شکل دهی مطلوب به رفتار سیاسی<sup>۱</sup> در سطح جامعه کمک می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم و با مبنا قرار دادن ارزش‌های والای اخلاقی و عقاید حقه اسلامی به نحوی توصیه‌ای (در مقام باید) الزام‌هایی را برای مطلوبیت اجرای این کار ویژه‌ها متذکر می‌شویم. اما پیش از هر چیز باید اشاره‌ای مجمل به نگاه عقیدتی و اخلاقی خاص اسلام به مبانی رفتار اجتماعی و سیاسی داشته باشیم.

### مبانی عقیدتی و اخلاقی رفتار اجتماعی و سیاسی در اسلام

آداب و رفتار اجتماعی؛ که رفتار سیاسی مطلوب در آن مندرج است، در اسلام کاملاً شکلی تعریف شده و معین دارد و به هیچ وجه همچون نظام‌های لیبرال دلبخواهی نیست. احکام اخلاقی اسلام اغلب آثار و پیامدهای مفید و سازنده سیاسی و اجتماعی دارند. امام راحل (ره) در این خصوص می‌فرماید:

«احکام اخلاقی اسلام هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مومنین برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. اگر مومنین، طوایف مختلفی‌ای که در اسلام هستند و همه هم مومن به خدا و پیغمبر اسلام هستند، اینها با هم برادر باشند، همانطوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند، این علاوه بر آنکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد، یک حکم بزرگ اجتماعی نیز محسوب شده نتایج بزرگ اجتماعی دارد.»<sup>۲</sup>

حق‌گویی و حق‌طلبی، بدون قید منفعت شخصی، پرهیز از غیبت و عیب‌جویی بدون هیچ قید و شرط مربوط به مصالحی که برخاسته از نفس اماره است، مراقبت از آبروی دیگران همچون آبروی خود؛ از جمله مهم‌ترین آداب اخلاقی هستند که می‌توانند ضامن سلامت فضای سیاسی جامعه و تعالی محوری آن باشند.

در یک نظام سیاسی مبتنی و ملهم از تعالیم دینی، وضعیت و شرایط، بایدها و نبایدها، محتوا و کیفیت کارویژه‌ها و وظایف و بنیادهای شکل‌دهنده یک حزب یا تشکل سیاسی، بسیار متفاوت از احزاب و تشکل‌های سیاسی در نظام‌های سیاسی سکولار

در میان جنبه‌های مذکور در خصوص احزاب و تشکل‌های گروهی، مبنای شکل‌گیری تشکل‌های سیاسی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

تفاوت حزب و تشکل سیاسی در نظام‌های سکولار با آنچه در چارچوب تعالیم سیاسی اسلام وجود دارد، تفاوتی مبنایی دارد. از میان مبنای تشکیل احزاب، پایه عمده سازمان احزاب سیاسی غرب در حال حاضر اقتصادی است.

کارشناسان علوم سیاسی، از جمله «آرتور هالکامبل»<sup>۱</sup> اصل منافع اقتصادی را پایه واقعی احزاب سیاسی می‌دانند و معتقدند که پایداری احزاب بر اساس نیازهای موقت و گذرا غیر ممکن است و یک تشکل سیاسی پایا باید مبتنی بر منافع جمعی و از همه مهم‌تر، بر پایه منافع دائمی اقتصادی باشد.

اگر چه نظریه پردازان سیاسی؛ از عوامل محیطی، طبیعت انسان و حس نژادی به عنوان مبنای شکل‌گیری احزاب سیاسی نام برده‌اند، اما کمتر کسی این عوامل را همپایه عامل منافع اقتصادی، واقعی تلقی می‌کند.

حتی برخی از نظریه پردازان سیاسی، زمینه دینی و مذهبی را در دموکراسی‌های نوباوه یا در حال اضمحلال، به عنوان پایه شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی دانند، اما همین کارشناسان تأکید دارند که در کشورهای غربی احزاب سیاسی بر پایه دینی و مذهبی تشکیل نشده است و حتی برای چنین احزابی در صورت شکل‌گیری کارکرد منفی نیز قائل هستند و معتقدند که این گونه احزاب ریشه دموکراسی را می‌خشکانند و وحدت ملی را نابود می‌کنند.

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک انقلاب مبتنی بر تعالیم دینی و ارزش‌های الهی با پیام‌آور شکل‌گیری نظامی سیاسی، و کاملاً بر پایه‌ی آموزه‌های قدسی است و بخشی از طرح نهادینه کردن تعالیم سیاسی دین در سطح فرد و جامعه را منوط به تعریفی دینی از حزب و تشکل سیاسی می‌داند که، ضمن در بر گرفتن سلايق مختلف دینداران و رعایت عنصر تنوع؛ بر پایه ارزش‌های متعالی الهی شکل گرفته باشد.

به یقین در گفتمان دینی نمی‌توان مبنای شکل‌گیری احزاب را محصور در منافع مادی دانست. تشکیل حزب در گفتمان قدسی دین رهیافتی تعالی محور دارد.

1. Arthur Holcombe





آنچه می‌تواند مبنایی درست برای تشکیل احزاب سیاسی باشد، عدالت خواهی و حق طلبی می‌باشد و همین مبنا، هویت استعلایی احزاب و تشکل‌های سیاسی دینی را تضمین می‌کند و رفتار مطلوب اجتماعی و سیاسی را شکل می‌دهد.

«جامعه‌ای می‌تواند قیام به حق داشته باشد که زیربنای آن، اعتقاد عمیق به معارف الهی باشد، نه اقتصاد یا دیگر شئون مادی؛ زیرا در این صورت، هدف قیام مردم، ارضای هوای نفس یا رفاه مادی خواهد بود؛ نه برقراری قسط و عدل و قانون الهی... مسائل مادی، نه تنها آرامش و انسجام نمی‌آورند؛ بلکه دیر یا زود، مایه تششت و پراکندگی و نابرابری خواهند بود. از این رهگذر، قرآن کریم، پیوند و انسجام دل‌ها را در اختیار خداوند دل‌آفرین دانسته، درباره اتحاد و الفت مؤمنین خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «الف بین قلوبهم لو انفقتم ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولكن الله الف بینهم انه عزیز حکیم»<sup>۱</sup>؛ یعنی پروردگار متعال، میان دل‌های آنان الفت برقرار کرد؛ تو اگر تمام ذخایر زمین را هزینه می‌کردی تا میان دل‌های آنان انس و الفت ایجاد کنی، نمی‌توانستی؛ ولیکن خداوند میان آنان الفت برقرار نمود؛ تحقیقاً خدای متعال، عزیز و حکیم است. منافع مادی و ذخائر و هر چه با دست با برکت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تقسیم گردد، هر چند توسط تقوای مجسم و عدل عادلانه توزیع شود، باز هم زمینه شقاق فراهم است و الفت معهود در آیه حاصل نمی‌شود»<sup>۲</sup>

بر اساس تفکر و اندیشه لیبرال، خوبی و بدی انسان و رفتار او هیچ نقشی در آینده‌اش ندارد و لذا زندگی دنیایی به لحاظ عقائد، اخلاق و اعمال فردی، نیازمند قانون نیست و از جهات یاد شده، بی‌قید و رهاست؛ مگر آنکه طبیعت و زندگی طبیعی به ناچار او را محدود سازد. او آزاد است تا در حیطة مسائل شخصی، به دلخواه رفتار کند و در استفاده از منابع و مواهب طبیعی، هر گونه که می‌خواهد بهره‌مند باشد، اما از آنجا که بی‌قیدی و رهایی همه افراد در آنچه می‌خواهند امکان‌پذیر نیست، ناچارند که در زندگی گروهی خود، قانونی داشته باشند تا به آزادی‌های بی‌حد و حصر آنان قیدی بزند و کیفیت برخورداری بدون مزاحمت هر یک از آنان از طبیعت را مشخص نماید، قانون

۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۶۳.

۲. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه‌ی ولایت فقاها و عدالت، (قم: نشر اسراء، سال ۷۸)، ص ۸۲-۸۰.



جزایی هم باید باشد که متخلفان و متجاوزان را تنبیه و مجازات کند تا توازن طبیعی اجتماع از هم نپاشد.

«جامعه الهی»، بر «جهان بینی الهی» استوار است که می‌گوید: جهان و انسان را خدا آفریده و انسان هرگز با مرگ از بین نمی‌رود و چگونگی حیات و زندگی جاوید او در آینده، بستگی تام به چگونگی رفتار و اخلاق و عقاید او، هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی در این دنیا دارد.

بر اساس تعالیم اسلامی یک انسان، اگر تنها نیز زندگی کند، نیازمند قانونی برای نحوه زندگی و تامین سعادت اخروی است. در نظام الحادی، قانون پس از شکل‌گیری جامعه، به ناچار وضع می‌شود؛ اما در نظام الهی، قانون، مقدم بر جامعه است؛ زیرا از ناحیه خدای سبحان و برای تامین سعادت جامعه نازل شده است و بر همین اساس، خداوند، اولین انسان؛ یعنی حضرت آدم(ع) را فردی باقانون و دارای نبوت آفرید، تا هیچگاه هیچ بشری بدون قانون سعادت بخش نباشد.

در روایتی از حضرت صادق(ع) که در کتاب «علل الشرایع و بحار الانوار» نقل شده، آمده است که اگر بیش از دو نفر در جهان نباشد، بدون شک یکی از آن دو، امام و حجت خداوند خواهد بود و آخر کسی که در جهان می‌میرد، شخص امام است؛ زیرا اگر امامی در روی زمین نباشد، می‌توان بر خداوند احتجاج کرد که چرا مرا بدون حجت خود وانهادی.<sup>۱</sup>

اسلام دینی است که تأکیدی ویژه بر رعایت اصول و ارزش‌های والای اخلاقی در تمامی شئون حیات آدمی؛ اعم از فردی و جمعی دارد. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.<sup>۲</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم درباره پیامبر گرامی اسلام(ص) فرموده: انک لعلی خلق عظیم<sup>۳</sup>؛ یعنی: تو - ای پیامبر - سجایای اخلاقی عظیمی داری.

مطابق با تفسیر المیزان این آیه شریفه هر چند فی نفسه و به خودی خود حسن خلق رسول خدا(ص) را می‌ستاید، و آن را بزرگ می‌شمارد؛ لیکن با در نظر گرفتن سیاق، به

۱. همان

۲. رضی‌الدین حسن‌بن فضل طبرسی، مکارم اخلاق، (قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق)، ص ۸.

۳. سوره ی قلم، آیه ۲.





خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی ایشان نظر دارد<sup>۱</sup>، صفات پسندیده‌ای چون؛ استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری‌های اراذل و عفو و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال این‌ها.

و در تفسیر نمونه آمده است:

«اخلاقی که عقل در آن حیران است؛ لطف و محبتی بی نظیر، صفا و صمیمیتی بی مانند، صبر و استقامت و تحمل و حوصله‌ای توصیف‌ناپذیر.»

اگر مردم را به بندگی خدا دعوت می‌کنی، تو خود بیش از همه عبادت می‌نمایی، و اگر از کار بد باز می‌داری تو قبل از همه خودداری می‌کنی. آزارت می‌کنند و تو اندرز می‌دهی، ناسزایت می‌گویند و برای آنها دعا می‌کنی، بر بدنت سنگ می‌زنند و خاکستر داغ بر سرت می‌ریزند و تو برای هدایت آنها دست به درگاه خدا بر می‌داری. آری تو کانون محبت و عواطف و سرچشمه رحمتی.

خلق از ماده، خلقت به معنی صفاتی است که از انسان جدا نمیشود و همچون خلقت و آفرینش انسان می‌گردد. بعضی از مفسران خلق عظیم پیامبر(ص) را به صبر در راه حق، و گستردگی بذل و بخشش، و تدبیر امور، و رفق و مدارا، و تحمل سختی‌ها در مسیر دعوت به سوی خدا، و عفو و گذشت، و جهاد در راه پروردگار، و ترک حسد و حرص تفسیر کرده‌اند، ولی گرچه همه این صفات در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، ولی خلق عظیم او منحصر به اینها نبود.<sup>۲</sup>

اینک بر اساس اشاره مجملی که به برخی خواص اعتقادی و اخلاقی جامعه اسلامی نمودیم، به بررسی نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در چنین جامعه‌ای و ذکر بایدها و نبایدها و الزامات احزاب سیاسی در این خصوص می‌پردازیم.

### مشارکت سیاسی و نقش احزاب در تثبیت الگوی مشارکت مطلوب

مشارکت سیاسی<sup>۳</sup> اساسی‌ترین مبنای رفتار سیاسی مطلوب در جامعه دینی است،

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، جلد نوزدهم، (قم)، دفتر انتشارات اسلامی.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، جلد بیست و چهارم، (قم، دارالکتب الاسلامیه)، صص ۱۳۷۱-۱۳۷۲.



بطوری که در صورت خدشه دار شدن این اصل، دیگر نوبت به سایر رفتارهای سیاسی مطلوب نمی‌رسد و آداب دیگر سیاسی منوط به تحقق این اصل است و یکی از مهم‌ترین بسترهای توسعه مشارکت سیاسی، احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند.

مشارکت سیاسی مردم در روندهای سیاسی و تأثیر در هیأت‌های تصمیم‌گیری از شاخصه‌های مثبت توسعه سیاسی است؛ چنانکه پراکندگی احزاب سیاسی از شاخص‌های منفی توسعه بشمار می‌رود، و بدیهی است که میان این دو شاخصه ارتباطی عمیق وجود دارد. حال مشارکت سیاسی یعنی چه؟

مشارکت سیاسی عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای است که اعضای یک جامعه برای شکل دهی سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند.

نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در فراگردهای سیاسی که به‌گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند.<sup>۱</sup>

صریح‌ترین و روشن‌ترین معنی مشارکت سیاسی، فعالیت شهروندان عادی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری حکومت است. مشارکت سیاسی با فعالیت یا رفتار آشکار و قابل مشاهده، ارتباط تنگاتنگ دارد.

آنچه گفته شد در ادبیات سیاسی عمومی رایج است. اما آنچه در ادبیات سیاسی دینی در خصوص موضوع مشارکت سیاسی، قابل توجه می‌نماید این است که این مشارکت در چارچوب تکالیف و وظایف دینی مطرح می‌شود.

کاملاً واضح است که در اندیشه لیبرال، مشارکت سیاسی به عنوان یک حق برای شهروندان مطرح می‌شود. اما در اندیشه دینی مشارکت اصالتاً یک وظیفه و تکلیف دینی است و حق بودن آن از آنجا ناشی می‌شود که مهم‌ترین حق هر عضو از جامعه دینی این است که بتواند آزادانه و بدون هیچ مانع و رادعی به تکالیف و وظایف دینی، مانند تکلیف مشارکت سیاسی خویش عمل کند.

به وضوح دیده می‌شود که نگاه اسلام به این موضوع بسیار متعالی است و در بر گیرنده تمام محاسن نگاه حق محور به مقوله مشارکت را دارد و علاوه بر آن، مزایای

۱. نیکلاس آبراکراسی و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، (تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۷)، ص ۲۸۶.



ویژه‌های ناشی از اندراج این حق محوری در یک نظام ایدئولوژیک را واجد است. لیبرالیسم، ایدئولوژی ستیز است و لذا هیچ چیزی را به عنوان تکلیف و وظیفه فردی برای پیروان خود ترسیم نمی‌کند؛ اما در اسلام همه اعمال بر مبنای تکلیف آرایش‌یابند. در بسیاری از کشورها نه تنها شرکت توده‌های مردم در سیاست مورد تشویق قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به آنها اجازه مداخله در سیاست هم داده نمی‌شود.

اکراه برگزیدگان حاکم از شرکت دادن مردم در قدرت، دو علت اساسی دارد: اول آنکه حکومت، قدرت محدود کردن دخالت در سیاست را دارد. تا وقتی که بی‌سواد، بی‌خبری عمومی، ضعف و عدم تشکل و ناآگاهی توده‌ها و ناتوانی آنها در درک مسائل سیاسی وجود داشته باشد، برای حکومت کار نسبتاً آسانی است که دخالت در سیاست را محدود سازد.

دوم آنکه؛ برگزیدگان حاکم اغلب می‌ترسند که مبادا ارزش‌ها، منافع و علایق آنها از میان برود. بطور کلی، رژیم‌های مستبد به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا مردم را از دخالت کردن در سیاست باز دارند.<sup>۱</sup>

به برکت انقلاب اسلامی، امروز نظام جمهوری اسلامی نه تنها حق مشارکت را برای مردم محفوظ می‌دارد؛ بلکه چنانکه گفته شد مشارکت سیاسی مردم را تکلیف و وظیفه‌ای خطیر می‌انگارد و همواره آحاد ملت را در این خصوص مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهد.

بهترین نوع مشارکت سیاسی، مشارکت سازمان یافته است و یکی از بهترین راهکارهای مشارکت سیاسی سازمان یافته، حضور فعال و کارکرد درست احزاب و تشکل‌های سیاسی است.

مشارکت، سطوح مختلفی را شامل می‌شود که عبارتند از:

۱. مشارکت کنندگان غیر فعال؛
۲. مشارکت کنندگان محدود؛
۳. رای دهندگان حرفه‌ای؛
۴. فعالین در امور عمومی؛
۵. فعالین در مبارزات انتخاباتی؛

۶ مشارکت جویان کامل.<sup>۱</sup>

نظریه‌پردازان سیاسی معتقدند که مشارکت سیاسی مهم‌ترین موضوعی است که احزاب به حل آن کمک می‌کنند و پژوهش‌های انجام شده در باب تاثیر مستقل احزاب بر محیط خود نیز اغلب در مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی متجلی شده است. البته این امر، بیشتر بدان خاطر است که اصولاً حرکت و تقاضا برای مشارکت سیاسی، مشخص‌ترین ویژگی توسعه سیاسی است.<sup>۲</sup>

کارکرد مشارکتی احزاب را می‌توان به یک تعبیر به دو بخش اصلی تقسیم کرد: بخش اول به تخبه‌ها باز می‌گردد و عبارت است از فراهم‌آوری امکان تحرک سیاسی برای افرادی که به دنبال فعالیت سیاسی کامل می‌گردند، بخش دوم که خود نیز دو جنبه دارد: اول ساختن افکار عمومی و کسب رهبری آن و دوم انعکاس آن به حکومت و منشا اثر گرداندن آن در اداره کشور.<sup>۳</sup>

احزاب سیاسی در جامعه اسلامی علاوه بر اینکه به طور متداول باید کارکردهای عمومی یک حزب در ایجاد و توسعه مشارکت سیاسی را داشته باشند، باید کیفیت خاص را نیز در اجرای این کار ویژه شامل شوند که عبارت است از: اصالت دادن به صحت و کمال کلی روند سیاسی در جامعه نه موفقیت محدود خود حزب.

در صورت وجود چنین کیفیتی در نحوه اجرای کار ویژه توسعه مشارکت سیاسی است که احزاب مختلف علیرغم سلايق گوناگون در یک امر متحد و مشترک می‌شوند از اهمیت خاصی برخوردار است. صرفنظر از اینکه چه حزبی موفقیت یا عدم موفقیت در فلان فرایند سیاسی، مثلاً انتخابات، داشته باشد؛ نفس توسعه مشارکت سیاسی و تعالی سطح سیاسی جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است.

در چنین فرضی است که اختلاف سلیقه احزاب نه تنها موجب تشتت نمی‌شود بلکه باعث تعالی سیاسی جامعه می‌شود. احزاب و تشکل‌های سیاسی با اطلاع‌رسانی و آموزش درست و گسترده‌الگوی صحیح مشارکت سیاسی در جامعه اسلامی نیز توانند

1. S. Verba and K. Prewitt, An Introduction TO American Government. New York: Harper & Row, (1979), P172.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. اچ. داد، سی. اچ. رشد سیاسی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، (تهران، نشر نو، ص ۴۹)، و حسین حسینی، حزب و توسعه سیاسی، (تهران، نشر آمن، ۱۳۷۸)، صص ۵۹-۶۰.



به توسعه و تعالی سیاسی در سطوح فردی و اجتماعی مدد رسانند. الگوی مزبور دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. نگاه به عمل سیاسی و اجتماعی به مثابه یک تکلیف دینی؛
  ۲. انجام عمل سیاسی و اجتماعی به مثابه عبادت؛
  ۳. حق محوری و پرهیز از تعصب در تشخیص مصداق کنش سیاسی و اجتماعی صحیح؛
  ۴. تلاش در توسعه اثر بخشی سیاسی (یعنی هر مشارکت جوی سیاسی باید دغدغه اثر بخشی نیز داشته باشد.
- اغلب یکی از عارضه‌هایی که ناشی از تلقی غلط از بند اول از الگوی صحیح مشارکت سیاسی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود، عبارت است از اینکه تکلیف محوری مانع دغدغه اثر بخشی می‌شود، در صورتی که هر دو مورد مهم است و همین دغدغه اثر بخشی داشتن هم خود یک تکلیف است.
- یک عامل سیاسی نباید به بهانه اینکه به تکلیف خود عمل می‌کند و ضامن نتیجه نیست، به دغدغه اثر بخشی بی‌اعتنا باشد. این رویه و برداشت نادرست اغلب یا ناشی از جهل به این موضوع است که خود دغدغه اثر بخشی داشتن و تلاش برای انجام عمل سیاسی است؛ به نحوی که آثار و نتایج، هر چه مطلوب تری داشته باشد، یک تکلیف است، و یا ناشی از تنبلی و کاهلی در انجام اعمال سیاسی و اجتماعی است.
- در بسیاری از موارد، اگر فاعل سیاسی از یک عمل سیاسی نتیجه مطلوبی نگرفته است به نداشتن تدبیر و دغدغه اثر بخشی مربوط می‌شود؛ یعنی در حقیقت فاعل سیاسی مزبور به تکلیف سیاسی خود به طور کامل عمل نکرده است.
- هر حزب و تشکل سیاسی باید اطلاع‌رسانی و آموزش گسترده الگوی مذکور را سر لوحه فعالیت‌های خویش قرار دهد.
- بی‌اعتنایی سیاسی یا بی‌عملی سیاسی<sup>۱</sup> از عارضه‌های مهمی است که ممکن است یک جامعه سیاسی بدان مبتلا شود و از کارکردهای مهم احزاب نیز، مبارزه با پیدایش و شکل‌گیری چنین عارضه‌ای است.
- بی‌اعتنایی یا بی‌عملی سیاسی عبارت است از کمبود علاقه به سیاست یا احساس



عدم تعهد سیاسی و عدم درک مسائل که اساساً ریشه اجتماعی دارد و ترس از ایجاد درگیری بزرگ‌ترین دلیل ایجاد آن محسوب می‌شود.

بی‌اعتنائی یا بی‌تفاوتی سیاسی دارای اشکال مختلفی است. بی‌علاقگی به سیاست اغلب به این دلیل است که تصور می‌شود سیاست فقط مربوط به گروه‌های کوچک و برگزیده مردم است و اکثریت مردم نمی‌توانند در آن نقشی داشته باشند، و این همان چیزی است که احزاب و تشکلهای سیاسی می‌توانند در صورت انجام صحیح کار ویژه‌های خود مانع آن شوند.

### نقش احزاب در جامعه‌پذیری و اصلاح هنجارهای سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی<sup>۱</sup> از مفاهیم نو در علم سیاست است. در تعریف؛ جامعه‌پذیری سیاسی عبارت است از «یادگیری تدریجی هنجارها، ایستارها و رفتار قابل قبول برای یک نظام سیاسی»<sup>۲</sup>

اگر این تعریف را بپذیریم، مفهوم مزبور، در جامعه اسلامی که منادی هنجارها، ایستارها و رفتار مطلوب خاصی است، اهمیت و کارکرد موثری دارد.

جامعه‌پذیری سیاسی روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتار پذیرفتنی نظام سیاسی مستقری، از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند. بنابراین هدف جامعه‌پذیری سیاسی، تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند.

در واقع، جامعه‌پذیری سیاسی، همه شکل‌های آموزش سیاسی، رسمی یا غیر رسمی، دلخواه یا بدون برنامه را در بر می‌گیرد و روندی است که در آن مردم نه از راه مشارکت سیاسی فعال بلکه در دوره قبل از پرداختن به یک فعالیت سیاسی آشکار، ارزش‌های سیاسی را کسب می‌کنند.

جامعه‌پذیری سیاسی آموزشی است که بدان وسیله از یک سو؛ فرد ایستارها و سمت‌گیری‌هایی نسبت به پدیده سیاسی را کسب می‌کند و از سوی دیگر جامعه

1. Political Sociability

2. Sigel, Robert, *Assumption About the Learning Of Political Values in: The Annual Of The American Academy Of Political And Social Science*, Vol. 36, (1965), p.1.



هنجارهای سیاسی و باورها را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد.

در خصوص عوامل عمده‌ی جامعه‌پذیری سیاسی می‌توان از عوامل متعددی همچون نظام خانواده، نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی، رسانه‌ها و محیط کار نام برد. اما ارتباط مستقیم رسمی یا غیررسمی با نخبگان نظام سیاسی نیروی پر توانی به وجود می‌آورد که یکی از مهمترین عوامل جامعه‌پذیری سیاسی را شکل می‌دهد. احزاب سیاسی با تبلیغات سیاسی، مبارزه و فعالیت انتخاباتی، ارائه نظریه‌های سیاسی به صورت شفاهی یا کتبی نقش عامل مستقیم جامعه‌پذیری سیاسی را بازی می‌کنند.<sup>۱</sup>

احزاب، ابزاری برای جامعه‌پذیری سیاسی و آموزش سیاسی، در جهت شکل دادن و اصلاح هنجارها، آداب و عادات جامعه نسبت به نهادهای مختلف قدرت و دولت محسوب می‌شوند.

احزاب و تشکلهای سیاسی، این کارکرد خود را با توصیف و تحلیل ساده و قابل فهم مسائل، مشکلات و برنامه‌های سیاسی در اختیار عموم مردم قرار می‌دهند. اولویت‌بندی این مسائل و برنامه‌ها و اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع و شکل دادن و هدایت افکار عمومی نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ بویژه در مراحل اولیه توسعه سیاسی، احزاب باید بیش از سایر نهادها دغدغه جامعه‌پذیری سیاسی داشته باشند. امروزه در نظام‌های سیاسی مدرن، احزاب، برنامه‌های تعلیمات سیاسی را سازمان می‌دهند، تاریخ ملی را آموزش داده و برنامه توسعه اقتصادی و اهداف کلان و بین‌المللی حکومت را تشریح می‌کنند.<sup>۲</sup>

فرهنگ سیاسی<sup>۳</sup> و جامعه‌پذیری سیاسی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. فرهنگ سیاسی عبارت است از مجموعه هنجارها، باورها، آرمان‌ها و احساسات سیاسی و سطح دانش و ادراک طبقات گوناگون، اقشار اجتماعی و افراد از قدرت و سیاست.<sup>۴</sup> فرهنگ‌های مختلف سیاسی را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود

۱. همان، صص ۱۱۷-۱۱۹.

۲. حسین حسینی، پیشین، صص ۹۹-۹۷.

### 3. Political Culture

۴. علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، (تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴) ص



۱. فرهنگ سیاسی محدود؛
۲. فرهنگ سیاسی تبعه؛
۳. فرهنگ سیاسی مشارکت؛
۴. فرهنگ سیاسی مختلط؛
۵. فرهنگ سیاسی مدنی؛
۶. فرهنگ سیاسی غیر دینی؛
۷. فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک؛
۸. فرهنگ سیاسی همگن؛
۹. فرهنگ سیاسی چند پاره<sup>۱</sup>.

فرهنگ سیاسی مطلوب جامعه اسلامی باید ترکیبی باشد از فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک، مدنی و مشارکتی.

هدف جامعه پذیری سیاسی تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند و در این جهت تلاش در راستای تثبیت فرهنگ سیاسی مطلوب کاملاً حالت زیر بنایی دارد. فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه سیاسی اسلامی را باید شناخت و شناساند و احزاب و تشکل‌های سیاسی می‌توانند نقشی بسیار مهم و اثربخشی ایفا نمایند.

فرهنگ سیاسی مطلوب جامعه اسلامی، ایدئولوژیک است چرا که چنانچه پیش از این ذکر شد، هنجارهای سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی الهام گرفته از تعالیم متعالی الهی و در چارچوب بایدها و نبایدهای دینی و مشارکتی است، چرا که مردم سالاری از آرمان‌های مدنی آن است به این معنی که از رهیافت‌های علمی و چارچوب‌های روشی جوامع مدنی هر عصری به شکلی عقلانی و خردورزانه در محدوده ساحت ایدئولوژیک خود بهره می‌گیرد.

احزاب و تشکل‌های سیاسی، علاوه بر تلاش در جهت توسعه مشارکت سیاسی که به طور مفصل در بخش قبل بدان اشاره شد، باید با شناسایی و آموزش و اطلاع رسانی هنجارها و آرمان‌های سیاسی ایدئولوژیک، وجه ایدئولوژیک فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه اسلامی را غنا بخشند و با استفاده‌ی به روز از دانش بشری، در چارچوب





استقلال ارزشی و ایدئولوژیک در راستای تحقق ساحت مدنی فرهنگ سیاسی مطلوب در جامعه اسلامی گام برداشته و به تعالی و نهادینه کردن رفتار سیاسی مطلوب در سطوح فردی و جمعی کمک نمایند.

احزاب با محور قرار دادن این فرهنگ سیاسی مطلوب و با اهمیت دادن به مبحث جامعه پذیری سیاسی، و کوشش‌های فراگیر در جهت آموزش و ترویج گسترده این فرهنگ، می‌توانند مطلوبیت رفتاری سیاسی را به جامعه اسلامی هدیه نمایند.

### نقش احزاب در تحکیم همبستگی و یکپارچگی ملی

همبستگی<sup>۱</sup> مفهومی بسیار پرکاربرد در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی، به بویژه در جامعه‌شناسی سیاسی است.

همبستگی عبارتست از همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه؛ اعم از ملی یا بین المللی، برای مرفه تر و مترقی تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز.

در حوزه ملی، میزان وحدت و انسجام در درون یک جامعه که هنگام روبرو شدن با مشکلات خارجی و داخلی مشخص می‌شود همبستگی اجتماعی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود.

یکپارچگی ملی<sup>۳</sup> عبارتست از مجتمع ساختن اجزای جامعه در یک کل همبسته تر.<sup>۴</sup> دو نوع برداشت و معنا از یکپارچگی ملی را می‌توان تصویر نمود:

۱. همگرایی ملی؛ روش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. همگرایی جریانی.<sup>۵</sup>

«یکپارچگی ملی عبارت است از ترکیب عناصر مختلف اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، قومی و جغرافیایی در درون یک کشور واحد ملی. یکپارچگی ملی دلالت دارد بر توانایی دولت برای کنترل سرزمین تحت حاکمیت خود و همچنین مجموعه‌ای از ایستارهای مردم نسبت به کشور یا ملت که معمولاً با عنوان وفاداری، اتحاد، و تمایل به ارجحیت

1. Soliarity  
2. Social Cohesion  
3. National Integration

۴. علی آقا بخشی، پیشین، صص ۲۲۰-۲۱۲-۲۱۸.

5. Prose



دادن ملاحظات ملی نسبت به ملاحظات محلی یا فرقه‌ای آشکار می‌گردد و در معنایی دیگر؛ عبارت است از تنظیم ساختارها و جریاناتی که به وسیله آنها، عناصر مجزا و متفرق در یک سرزمین ملی معین، وارد مشارکت عمده در سیستم سیاسی شوند. هر قدر این جریانات از نظر مشارکت کنندگان در آنها مشروع تلقی شود، می‌تواند به عنوان جریانی، در مقایسه با همگرایی ملی تعریف شود.<sup>۱</sup>

در خصوص نقش احزاب جهت ایجاد یکپارچگی و همبستگی ملی موارد متعددی را می‌توان متذکر شد که عبارتند از:

۱. توجه به دشمنی‌های خارجی و مشکلات ناشی از آن که در این خصوص باید احزاب و تشکلهای سیاسی اهتمام جدی داشته باشند و فقط به مسائل و مشکلات داخلی بسنده نمایند؛

۲. مساعدت در کنار گذاشتن اختلافات داخلی و مدیریت صحیح منازعات داخلی و تلاش جهت نزدیکی و معاضدت رهبران سیاسی. «احزاب در دو بعد می‌توانند در مدیریت منازعه‌های سیاسی دخالت کرده و اختلاف منافع میان افراد و گروه‌های قدرتی مختلف را به مسیر مسالمت آمیزی هدایت کنند. بعد اول؛ مدیریت منازعه در سطح درون حزبی است و بعد دوم؛ نقش آن در مدیریت منازعه‌های سیاسی در کل سیستم، یا مدیریت منازعه برون حزبی است.»<sup>۲</sup>

۳. شکل دهی و تثبیت ایدئولوژی ملی که هم بتواند هدف‌ها را تعیین کند و هم روش رسیدن به آنها را نشان دهد؛

۴. تلاش در جهت توسعه عدالت و توزیع منصفانه فرصت‌ها و امکانات در میان آحاد ملت.

اما با توجه به دو برداشتی که از یکپارچگی بیان شد؛ احزاب نیز طبیعتاً باید بتوانند در دو حوزه ایفای نقش نمایند:

«اول ارائه سنبل‌ها و آرمان‌هایی که برای کل مردم یک جامعه ارزش و جذابیت داشته باشد و آنها را به دور یک محور گرد آورده و وحدت ببخشد. و دوم؛ کمک به یافتن و ایجاد آن ترتیبات نهادی که مذاکره و کانال‌های ارتباطی نامحدود را تشویق کرده و از

۱. حسین حسینی، پیشین، صص ۸۰-۷۹.

۲. همان، ص ۸۹.



این طریق، رهبران سیاسی و نمایندگان منافع متفاوت را بر سر جای خود نگه دارد و روند تجمع و بیان منافع متضاد را تسهیل نماید... احزاب می‌توانند هم کار ایجاد یکپارچگی افقی بین گروه‌های مشارکت‌کننده، و هم کار ایجاد یکپارچگی عمومی میان طبقات اقتصادی و اجتماعی را انجام دهند»<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

احزاب و تشکل‌های سیاسی، در نظام‌های سیاسی کارآمد؛ نقش، تأثیر و کارویژه‌های مهم و قابل‌اعتنایی دارند؛ به وجهی که امروزه نمی‌توان نظام سیاسی مطلوب و کارآمدی را بدون تعیین جایگاه صحیح احزاب و تشکل‌های سیاسی بوجود آورد.

اما مهم همان جایگاه صحیح است و باید دقت نمود که همانگونه که یک حزب و تشکل سیاسی در صورت کارکرد صحیح می‌تواند موجبات تعالی یک جامعه و نظام سیاسی را فراهم کند، به همان نسبت اگر از جایگاه درست و حوزه کارکرد صحیح خود خارج شود، صدمات و خسارت‌های گسترده‌ای را سبب خواهد شد و منافع جامعه و امنیت ملی را به مخاطره خواهد انداخت.

مشارکت عمومی سیاسی و همبستگی و یکپارچگی ملی از نیازهای استراتژیک امروز کشور ماست که رهبر فرزانه انقلاب، با تأکیدی ویژه، سال ۱۳۸۴ را با همین عنوان نامگذاری نمودند، و همین امر نقش و تأثیر عملی به روز و ضروری احزاب و تشکل‌های سیاسی را برای ایران اسلامی دو چندان می‌کند.

بنابراین شایسته است احزاب و تشکل‌های سیاسی با درایتی ویژه و بیش از همیشه با اتکا به مبانی عقیدتی و اخلاقی رفتار اجتماعی و سیاسی در اسلام و با توجه به کارویژه‌های مهم و حیاتی خود، با کیفیت و محتوایی متناسب با اهداف و آرمان‌های متعالی دینی به ایفای نقش در جامعه اسلامی ایران بپردازند.

## منابع

۱. آقا بخشی، علی. فرهنگ علوم سیاسی، (تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)، ۱۳۷۴.
۲. محمدی نژاد، حسن. احزاب سیاسی، (تهران: انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۵۵.
۳. عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست، (تهران، نشر نی)، ۱۳۷۳.
۴. جوادی آملی، عبدالله. ولایت فقیه، (قم: اسراء).
۵. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل. مکارم الاخلاق، (قم: انتشارات شریف رضی)، ۱۴۱۲ ق.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۹، (قم: دفتر انتشارات اسلامی).
۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه، جلد ۲۴، (قم: دار الکتب الاسلامیه).
۸. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۳، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام).
۹. آبرکراسی، نیکلاس و دیگران. فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه‌ی حسن پویان، (تهران: انتشارات چاپخش، چاپ اول)، ۱۳۶۷.
۱۰. دوز، رابرت و لیپست، سیمور مارتین. جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی محمدحسین فرجاد، (تهران: نشر توس)، ۱۳۷۳.
۱۱. حسینی، حسین. حزب و توسعه سیاسی، (تهران: نشر آمن)، ۱۳۷۸.
۱۲. داد، سی. اچ. رشد سیاسی، ترجمه‌ی عزت الله فولادوند، (تهران: نشر نو)، ۱۳۶۳.
13. Sigel, Robert. "Assumption About The Learning Of Political Values., in: *The Annual Of The American Academy Of Political And Social Science*, Vol. 36, (1965).
14. S.Verba and K. Prewitt. *An Introduction To American Government*. NewYork: Harper & Row., (1979).

